

## نخستین راه حل طلاق!

وقتی که مدیران کشور از چارچوب وظایف و مسئولیت خود آگاه نباشند، همین وضعی می‌شود که در کشور می‌بینیم. برخی از آنان کارهای خود را به درستی انجام نمی‌دهند، برخی دیگر کارهای خود را فراموش می‌کنند و می‌خواهند سایر مسائل را حل و فصل کنند.



وقتی که مدیران کشور از چارچوب وظایف و مسئولیت خود آگاه نباشند، همین وضعی می‌شود که در کشور می‌بینیم. برخی از آنان کارهای خود را به درستی انجام نمی‌دهند، برخی دیگر کارهای خود را فراموش می‌کنند و می‌خواهند سایر مسائل را حل و فصل کنند.

به گزارش سلامت نیوز به نقل از روزنامه شهروند، اطلاعات و آمار جمعیتی سازمان ثبت احوال از این نوع است که متوجه نمی‌شویم وظیفه ایشان تولید و عرضه درست و دقیق و به موقع آمار است یا کاهش دادن طلاق؟ در خبر منتشره از سخنان ایشان آمده است:

«از این پس آمار طلاق در کشور را اعلام نمی‌کنیم؛ آمار طلاق به اندازه کافی بیان شده است و ارایه آمار صرف دردی را دوا نمی‌کند. تکرار مکررات ممکن است آسیب به وجود آورد و ما از آن پرهیز می‌کنیم. هر وقت کارهای عملی در زمینه کاهش طلاق انجام شود، ما اثربخشی برنامه‌ها را به اطلاع می‌رسانیم.

برنامه‌ریزان باید از آمار اطلاع یابند و می‌توانند اقدامات عملی را براساس آمار در دستور کار خود قرار دهند. تاکنون در زمینه آمار طلاق به اندازه کافی هشدار داده شده است.»

اگر این خبر را خوب حلای و تحلیل کنیم، متوجه خواهیم شد که چرا با وجود چنین نگرشی مسائل کشور بدتر می‌شود که بهتر نمی‌شود؛ زیرا حل مسأله را با پاک کردن صورت و اصل مسأله اشتباه می‌گیریم و در اموری دخالت می‌کنیم که لزوماً وظیفه اداری ما نیست.

۱- این که طلاق کم یا زیاد شود هیچ ارتباطی با وظایف سازمان ثبت احوال ندارد و کسی هم از آنان نخواهد پرسید که چرا طلاق زیاد شده است؛ همچنان که از مسئولان بهشت‌زها هم نمی‌پرسند که چرا مرگ‌ومیر زیاد یا کم شده -البته آنان می‌توانند در این باره نظر داشته باشند، ولی مسئولیتی متوجه آنان نیست. وظیفه سازمان بهشت‌زها گرفتن اجساد و خاکسپاری آنان به بهترین شکل است. وظیفه اصلی اداره ثبت احوال نیز ثبت رویدادهای چهارگانه تولد، فوت، ازدواج و طلاق و ارایه آمار ثبتی مذکور است. همچنان که مرکز آمار هم وظیفه‌اش ارایه بهتر آمار است.

اگر تورم یا فقر در جامعه زیاد شود، مسئول آن مرکز آمار نیست و کسی از آنان در این باره توضیح نخواهد خواست. آنان وقتی کار خود را درست انجام می‌دهند که آمار فقر و تورم را با دقت و جزییات هرچه بیشتر در اختیار مردم و جامعه قرار دهند؛ اگر این وظیفه را انجام دادند، آنگاه می‌توانند انتظار داشته باشند که دیگران نیز وظایف خود را در مبارزه با فقر و تورم درست و خوب انجام دهند. این استدلال مثل این است که مرکز آمار بگوید چون بیکاری کم نمی‌شود، ما دیگر آمار بیکاری را نمی‌دهیم! اتفاقاً برعکس اگر بیکاری کم نمی‌شود، باید هرچه سریع‌تر و بیشتر آمار آن را ارایه داد.

۲- اظهارنظر فوق در مخالفت آشکار با قانون و رویه جاری است. آمار حیاتی و ازدواج و طلاق از جمله آمارهایی است که همیشه و در همه حال ارایه می‌شده است، به علاوه قانون دسترسی آزاد به اطلاعات تصویب شد تا گستره آمار و اطلاعات منتشره را بیشتر کند، نه آنکه آن را محدود کند. مطابق این قانون انتشار این آمار وظیفه سازمان ثبت است و نه حتی از اختیارات آن. به علاوه مطابق این قانون هر کس که اطلاعات مذکور را با هر جزییات آماری بخواهد، سازمان ثبت ملزم است آن را در اختیارش قرار دهد؛ پس در این شرایط جلوگیری از عدم انتشار دیگر چه مفهومی دارد؟ دولت و دبیرخانه اجرای قانون مذکور باید در این

مورد تذکرات جدی را به مسئولان دستگاه‌ها بدهند تا این‌گونه اظهارات را نکنند.

۳- به لحاظ اثربخشی نیز این کار نادرست است. فرض کنیم که طلاق کم شد، احتمالاً آمار آن را با طیب خاطر منتشر می‌کنید. پس اگر منتشر نکردید، مردم می‌فهمند که آمار طلاق افزایش یافته است. ولی در این صورت ارقام مورد نظر مردم خیلی بیش از آن چیزی که در واقعیت هست، خواهد بود و اگر اطلاع از این آمار بد باشد، عدم انتشارش به مراتب بدتر و زیانبارتر است. ضمن اینکه انتشار اطلاعات و آمار هیچ بدی ندارد ولی عدم انتشار است که زیانبار است.

۴- گوینده محترم گمان می‌کند که مردم آمار را می‌خوانند و براساس آن قضاوت می‌کنند! آمار هیچ چیزی جز آنچه که مردم در زندگی روزمره خود می‌بینند، نیست؛ فقط آن را با دقت و وضوح منعکس می‌کنند. فرض کنیم آمار تورم اعلام نشود، آیا مردم متوجه تورم نمی‌شوند؟ تورم واقعی تجربه روزانه مردم در خرید مایحتاج آنان است و نه آمار بانک مرکزی یا مرکز آمار ایران.

طلاق هم همین طور است. اگر مردم هر روز در میان اطرافیان خود شاهد پدیده طلاق باشند، بر همان اساس قضاوت می‌کنند. اتفاقاً این قضاوت‌ها خیلی بدتر از آن چیزی است که در آمارها دیده می‌شود؛ لذا از این نظر انتشار آمار به واقعی شدن نگاه‌ها کمک می‌کند. همچنان که درک مردم از تورم به‌طور معمول خیلی بیشتر از شاخص تورم است.

۵- نگاهی که پشت ایده مذکور وجود دارد، این است که مسائل اجتماعی را فقط باید از طریق برنامه‌ریزی دولتی حل کرد. در حالی که این نگاه نادرست است و یکی از دلایل عدم موفقیت ما در حل مسائل اجتماعی غلبه همین نگاه در مدیران است. حل مسائل اجتماعی جز از طریق طرح آنها در جامعه و مشارکت مردم برای حل آنها، در کنار برنامه‌ریزی مدیران غیرممکن است. در این نگاه فاصله‌ای میان مردم و مدیران نیست.

همه در برابر جامعه و مسائل آن مسئول هستند و باید نسبت به جزییات آن آشنا باشند. وجود این نگاه سنتی و بسته یکی از عوامل عقب‌ماندگی ما در فهم و حل مسائل خودمان است. سازمان ثبت احوال بهتر است به جای جلوگیری از انتشار آمار طلاق، آنها را هفتگی منتشر کند، با جزییات بیشتر و ارتباط میان متغیرها، تا حساسیت جامعه بیش از این که هست، برانگیخته شود. به علاوه حتی برانگیختن این حساسیت هم وظیفه خاص و اصلی ثبت احوال نیست؛ بلکه وظیفه کلی دولت است.

ثبت احوال هیچ رسالتی در حل مسائل طلاق، ازدواج، زادوولد و مرگ‌ومیر ندارد. اگر به همان وظیفه خود بپردازد، می‌توان انتظار داشت که سایر مدیران نیز به وظیفه خود بپردازند و مشکلات به مرور در مسیر حل قرار گیرد و البته یقین داریم که آقای مدیرکل از روی خیرخواهی و احساس مسئولیت چنین سخنی را گفته‌اند؛ ولی قضاوت درباره انگیزه افراد فرع بر قضاوت درباره انجام وظایف آنان است.